

افسانه‌های یهود و خطر بزرگ

بخش هشتم

افسانه‌های یهودی و تورات شفاهی

برسیم به یکی از پرسش‌های رایج طرفداران تورات شفاهی و افسانه‌های یهودی:

اگر مردی در جنگ مفقود شود و بدنش پیدا نشود، تکلیف زن چیست؟

در ظاهر، این پرسشی فقهی و حقوقی است؛ اما در باطن، ریشه آن بی‌ایمانی به هدایت زنده خداست.

وقتی انسان به جای اعتماد به خدا، به سنت‌ها و روایت‌های بشری تکیه می‌کند، ناچار می‌شود برای هر فرض خیالی، ده‌ها قانون تازه بسازد. این دست پرسش‌ها ما را به یاد صدوقیان می‌اندازد.

آنان نزد خداوند ما عیسی مسیح آمدند تا قیامت را انکار کنند و گفتند: زنی با هفت برادر (یکی پس از دیگری) ازدواج کرد ولی همه مردند؛ در قیامت زن کدام یک از آنها خواهد بود؟

پاسخ مسیح ریشه مشکل را آشکار کرد:

«گمراهید، زیرا نه کتب را می‌شناسید و نه قوت خدا را.» (متی ۲۲: ۲۹)

او به سنت‌های شفاهی و تفسیرهای ربانی استناد نکرد. بلکه ذهن آنان را فقط به دو مرجع برگرداند: کتب مقدس و قدرت خدا

این اصل بنیادین است:

هر جا کتب فراموش شود و قدرت خدا انکار گردد، افسانه‌ها جای وحی می‌نشینند. وقتی انسان کلام خدا را کنار بگذارد، ناچار به داستان‌ها و قوانین ساخته ذهن بشر پناه می‌برد.

اصل مسئله

مفقود شدن فقط مخصوص مرد نیست.

ممکن است زن نیز در اثر زلزله، سیل، جنگ یا حادثه‌ای ناپدید شود. پس این موضوعی جنسیتی نیست، بلکه انسانی است.

ولی آنچه طرفداران تورات شفاهی نادیده می‌گیرند، حضور و هدایت روح القدس است.

مسیح وعده داد:

«چون او، یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد.» (یوحنا ۱۶: ۱۳)

و نوشته شده است:

«و شما از قدوس، مسح را یافته‌اید.» (اول یوحنا ۲: ۲۰)

و نبی اعلام کرد:

«روح خود را بر تمامی بشر خواهم ریخت؛ پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد.»

(یوئیل ۲: ۲۸)

پس کلیسا یتیم نیست.

ایماندار بی‌راهنما نیست.

اصل کتاب مقدسی در عهد عتیق: سؤال فقط از خدا

در عهد عتیق، هرگاه قوم خدا با چالشی سخت روبه‌رو می‌شدند، به افسانه و سنت انسانی مراجعه نمی‌کردند، بلکه مستقیماً از خدا پرسش می‌کردند و خدا پاسخ می‌داد.

نمونه‌ها روشن است:

داوود پیش از هر جنگ:

«و داوود از خداوند سؤال کرده گفت: آیا بر فلسطینیان برآیم؟ ... و خداوند گفت: برای.»

(اول سموئیل ۲۳: ۲)

مشورت رسمی قوم:

«به‌وسیلهٔ اوریم به حضور خداوند برای او سؤال خواهد نمود.»

(اعداد ۲۷: ۲۱)

و توبیخ به خاطر سؤال نکردن:

«و از خداوند سؤال نکردند.»

(یوشع ۹: ۱۴)

پس خطای قوم وقتی آغاز شد که از خدا نپرسیدند.

نمونه هدایت الهی در زندگی شخصی

در زندگی یوسف نجار نیز همین اصل دیده می‌شود. وقتی مریم مادر عیسی باردار شد، او سرگردان بود؛ اما خدا مستقیماً هدایتش کرد:

«فرشتهٔ خداوند در خواب بر او ظاهر شده گفت: مترس که مریم را به زنی خود بگیری.»

(متی ۱: ۲۰)

پس در بحران‌های واقعی زندگی، خدا شخصاً راه را نشان می‌دهد.

نتیجه عملی

اگر زن یا مردی مفقود شد، پاسخ کتاب مقدسی چنین است:

نه افسانه

نه قانون‌سازی انسانی

نه فرضیه‌های بی‌پایان

بلکه

دعا

طلب حکمت از خدا

و انتظار هدایت روح القدس

زیرا:

«هر جا دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، آنجا در میان ایشان حاضرم.»

(متی ۱۸: ۲۰)

«اگر کسی از شما محتاج حکمت باشد، از خدا بطلبد... و به او عطا خواهد شد.»

(یعقوب ۱: ۵)

کلیسا یتیم نیست.

خدا زنده است.

روح القدس هدایت می‌کند.

و اگر کسی این حقیقت را انکار کند، در واقع وجود روح القدس و هدایت الهی را زیر سؤال برده است. کتب مقدس و روح القدس برای هدایت کافی‌اند. هرچه بیرون از این دو است، ساخته انسان است؛ اما آنچه از خداست، زنده، روشن و کافی است. بی دلیل نیست که روح القدس بر هر یک از ما قرار می‌گیرد و هر ایمان‌داری باید از روح مسیح پر شود.

وقتی پولس و برنابا سردرگم بودند این روح عیسی بود که به آنها اجازه نداد که سمت آسیا بروند و این روح عیسی بود که آنان را به سمت اروپا هدایت کرد. همین نخواهد گذاشت فرزندانش در سردرگمی باقی بمانند و در مواقع دشوار هدایتشان خواهد کرد.

کتاب مقدس کافی است. روح القدس حاضر است. افسانه‌ها غیر ضروری‌اند.